



در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه ژانویه ۲۰۱۵

توضیح هیئت مدیره سابق (۲۰۱۴)

در نهایت شب، به عاشقانه‌ترین روزهایمان سلام

چلنگر

سنی از ما گذشته!

جمهوری فرانسه و معرفی روسای آن

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه ژانویه ۲۰۱۵

جلسه عمومی انجمن در ماه ژانویه با خیرمقدم و تشکر مسئول جدید انجمن از کلیه اعضای شرکت کننده در مجمع عمومی (در ماه دسامبر) و انتخابات هیئت مدیره ۲۰۱۵ و همچنین حضور گسترده آنها در این ماه باوجود تغییر مکان جلسه عمومی، شروع شد.

سپس سخنگوی جدید هیئت مدیره پس از خوشامدگویی به اعضای حاضر در جلسه، به معرفی افراد هیئت مدیره ۲۰۱۵ و وظایف و مسئولیت‌های آنها که در جلسه هیئت مدیره تعیین شده بود، پرداخت و اظهار امیدواری کرد که در سال ۲۰۱۵ هیئت مدیره جدید بتواند با همکاری کلیه اعضای محترم، جوابگوی نیازمندی‌های اعضای انجمن و بطور کلی برنامه‌های انجمن باشد.

در ادامه جلسه هیئت مدیره امسال برای قدردانی از زحمات و کوشش‌های هیئت مدیره سال قبل، مثل روال همه ساله کادوهایی به اعضای آن اهداء کرد. مسئول قبلی انجمن پس از تشکر از هیئت مدیره ۲۰۱۵ اظهار داشت که همکاری و اعتماد و پشتیبانی کلیه اعضای انجمن بود که این قدرت و شجاعت را در ما ایجاد کرد که با انرژی بیشتر و میل فراتر این مسئولیت را به جلو هدایت کنیم. وی افزود همکاری شما اعضای محترم و مخصوصاً اعتمادی که به ما داشتید باعث پیشرفت ما در کارهای انجمن شد و ما در راه اهداف انجمن و نیازهای اعضا از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

در ادامه، یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سال قبل از کلیه اعضای انجمن و همکارانی که در سال گذشته در کلیه امور اعم از روز جهانی زن و جشن نوروز و برگزاری جلسات عمومی انجمن و بخصوص از هیئت تحریریه و مسئول آن برای نشر و چاپ و پخش مداوم ماهنامه انجمن و کوشش و همکاری‌های لازم با هیئت مدیره تشکر کرد و کادویی از طرف خود اعضای هیئت مدیره به مسئول ماهنامه انجمن تقدیم نمود.

نماینده هیئت تحریریه نیز با تشکر از خدمات و زحمات هیئت مدیره سال قبل، گزارش مختصری از وضعیت ماهنامه در سال ۲۰۱۴ ارائه داد که شامل چاپ و نشر ۱۱ ماهنامه و یک ویژه‌نامه مخصوص روز جهانی زن می‌باشد که از این تعداد ۴ ماهنامه ۱۲ صفحه‌ای و بقیه ۸ صفحه‌ای بود. وی همچنین از کلیه

اعضا و همکارانی که در سال گذشته در چاپ و نشر و پخش و مخصوصاً نوشتن مقالات، همکاری و همیاری کردند با ذکر نام، تشکر کرد و با تحلیل و آنالیز مقاله‌ای به نام «نوشتن برای اندیشیدن» از نوشته‌های آقای بهرامی، که با سادگی و در نهایت دقت به موشکافی عمل «نوشتن» در انسان و ارزش «نوشتن» در جامعه و ماندگارتر بودن عمل نوشتن، مطالب خود را پایان داد.

در ادامه جلسه عمومی انجمن، حسابدار انجمن بیلان مالی سال ۲۰۱۴ را بطور دقیق و کامل به اطلاع اعضای حاضر در جلسه رساند. این گزارش نشان دهنده افزایش مبلغ کل ودیعه‌ها در حدود ۱۲ درصد و افزایش پس‌انداز یا باقی‌مانده حاصله از مبلغ حق عضویت‌ها به مقدار ۴۰ درصد می‌باشد که نشان دهنده بیلان مثبت مالی هیئت مدیره سال قبل می‌باشد.

در مرحله بعدی جلسه عمومی انجمن، مسئول انجمن اظهار داشت که علی‌رغم گرفتاری‌های شخصی و خانوادگی و مخصوصاً شغلی، دلیل اصلی او برای کاندیدا شدن در هیئت مدیره امسال، شجاعت و جوانمردی و دلسوزی مظفر برای انجمن بود که این احساس وظیفه را ایجاد کرد تا برای همکاری و کمک با او و پیشبرد کارهای انجمن به این کار دست بزنند و انجمن باید قدر افراد زحمتکش و دلسوز انجمن را بداند که خوشبختانه افراد هیئت مدیره سال قبل این موضوع را متوجه شدند که باعث افتخار انجمن می‌باشد. مسئول انجمن سپس به تشریح برنامه‌های امسال هیئت مدیره پرداخت که به شرح زیر است:

— تغییر مکان جلسات عمومی انجمن که به دلیل تعمیرات و تغییرات در رستوران الهام و افزایش قیمت غذا، باعث شد که به جستجوی سالن‌های مختلف بپردازیم تا اینکه این رستوران را از همه نظر (گنجایش، موقعیت، قیمت) واجب شرایط دانستیم. با این وجود تا بعد از برگزاری جشن نوروز جلسات عمومی انجمن در این مکان برگزار می‌شود، سپس با یک نظرخواهی عمومی از کلیه اعضای انجمن، تکلیف نهائی را مشخص می‌کنیم.

— هیئت مدیره در حال مذاکره با هیئت تحریریه است تا در حد امکان، ماهنامه انجمن حداقل یک هفته زودتر از جلسه عمومی به دست اعضا برسد.

— برگزاری روز جهانی زن در ماه مارس که در دست تدارک و برنامه‌ریزی است.

توضیح هیئت مدیره سابق (۲۰۱۴)

همکاران عزیز با سلام، در نشریه شماره ۵۵ ماهنامه انجمن تاکسیران، مطلبی با امضای همکار عزیز «صفا» نوشته شده بود. این مطلب گلايه‌آمیز، انتقادی و در عین حال هشدار دهنده به هیئت مدیره جدید، بطور غیرمستقیم ما، یعنی هیئت مدیره ۲۰۱۴ را مخاطب قرار داده است که لازم دیدیم این توضیح مختصر را برای رفع هرگونه شک و شبهه‌ای خدمت دوستان بنویسیم.

۱- اعتراض به عدم اعلام تعداد آراء، پس از شمارش آن از طرف مسئولان مجمع عمومی

۲- اعتراض به شیوه کاندیدا شدن داوطلبان برای انتخابات هیئت مدیره ۲۰۱۵

۳- اعتراض به عدم ایجاد «صفحه آزاد» در نشریه ماهنامه انجمن تاکسیران

دوستان عزیز ما سعی می‌کنیم آنچه را که می‌دانیم در طبق اخلاص تقدیم کنیم و قضاوت را به عهده شما بگذاریم.

الف) در مورد اعتراض شماره ۱، گرچه این اعتراض به اختیارات هیئت مدیره در جلسه مجمع عمومی چندان مربوط نیست ولی بعنوان چند تن از اعضای انجمن نظرم را بیان می‌کنیم. اگر به خاطر داشته باشیم جلسه مجمع عمومی در موقع شمارش آراء متأسفانه کمی متشنج شد. از آنجا که همگی در جریان آن قرار گرفته‌اند لزومی به تکرار نیست. نظر ما این است که صرفاً یک فراموشی ساده ناشی از خستگی بود و همکاران مسئول در مجمع عمومی فراموش کردند که تعداد آراء را اعلام کنند. ناگفته نماند که هیچ یک از اعضای هم که در جلسه حضور داشتند به این امر اعتراضی نکردند شاید به این دلیل ساده که همه می‌دانند که هر سال بعد از انتخابات، تعداد آراء و تعداد شرکت کنندگان همچنین آنالیز از وضعیت انتخابات در ماهنامه شماره بعد (ژانویه) نوشته می‌شود و از این طریق همه اعضای انجمن از چگونگی نحوه برگزاری انتخابات و کلیه جزئیات آن مطلع می‌شوند. نمی‌دانیم چرا برای همکار عزیزمان این تصور پیش آمده که «مصلحتی» در کار بوده و از هیئت مدیره جدید خواسته است که این امر به یک «بدعت» در انجمن تبدیل نشود.

ب) در مورد اعتراض شماره ۲- اعتراض به نحوه کاندیدا شدن سه تن از همکاران عضو انجمن. به نظر همکار عزیزمان مصوبات اساسنامه انجمن رعایت نشده است. ما توجه شما را به اتفاقاتی که گذشته، جلب می‌کنیم، در شماره ۵۴ ماهنامه، همکارمان داود، مطلبی نوشت با تیتَر «دیدار با یک همکار قدیمی» این

— برگزاری جشن نوروز که خوشبختانه براساس کوشش‌ها و همکاری هیئت مدیره سال قبل و مخصوصاً مسئول آن، پس از جستجوی زیاد، سالنی با گنجایش بالا و موقعیت خوب، نزدیک به پاریس و بسیار شیک و مجلل برای مراسم جشن نوروز انتخاب و قرارداد آن امضاء شده است.

— برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده برای تغییر و تکمیل آئین‌نامه داخلی انجمن.

— پرداخت وام به کلیه متقاضیان وام براساس شرایط و با در نظر گرفتن آئین‌نامه داخلی انجمن. مسئول انجمن خاطرنشان کرد که در حد امکانات انجمن و با همکاری اعضای محترم انجمن قصد دارد که برای برگزاری بزرگداشت بیست و پنجمین سال تأسیس انجمن در سال ۲۰۱۷ تدارکات لازم را از امسال مهیا کند و در این مورد از اعضای انجمن درخواست کرد که هر نظر و یا ایده‌ای دارند به هیئت مدیره انتقال دهند.

سپس بحث آزاد شروع شد و چند نفر از اعضاء نظرات مختلفی در موضوعات متفاوت ارائه دادند، از جمله:

— بهتر است اعضای جدید و کم‌سابقه وارد هیئت مدیره بشوند.

— هیئت مدیره اعضای جدید را تشویق به کاندیدا شدن در هیئت مدیره بکند.

— کیفیت غذا در رستوران و محل جلسات عمومی انجمن بسیار مهم و بااهمیت می‌باشد.

در پایان جلسه مسئول انجمن اعلام کرد که در جلسه ماه فوریه بلیط‌های جشن نوروز آماده پخش خواهد بود ولی زمان فروش بلیط‌های جشن نوروز محدود می‌باشد و پس از تاریخ اعلام شده که در ماه فوریه توسط هیئت مدیره به اطلاع کلیه اعضاء خواهد رسید، به هیچ عنوان بلیط فروخته نخواهد شد.

در مورد انتخابات هیئت مدیره و کاندیداها، مسئول انجمن افزود که شرکت چند نفر از اعضای باتجربه در هیئت مدیره در پویائی اهداف انجمن مؤثر می‌باشد.

موفق و پیروز باشید.

هیئت تحریریه انجمن

اعضای محترم برای تماس با هیئت مدیره می‌توانند با شماره تلفن زیر تماس حاصل کنند:

06 62 06 73 09

گذشته، از همکاران حاضر در جلسه برای نشر «صفحه آزاد» نظرخواهی کند ولی متأسفانه معضل VTC و رقابت در حرفه و شغل تاکسی همه مسائل را تحتالشعاع قرار داد و وقت جلسات ماهانه بیشتر به بحث، اطلاع رسانی، دعوت از مسئولان سندیکاها و تدارک برای شرکت در تظاهرات گذشت و فرصت بررسی این نظر از برنامه بحث آزاد جلسات ماهانه به خودی خود حذف شد. از آنجا که همه نگران وضعیت شغلی و مالی بودند نه تنها فرصتی برای فکر کردن به «صفحه آزاد» نبود که تمایلی هم از طرف همکاران برای ادامه این بحث نشان داده نمی شد.

همانطور که در گزارش عملکرد هیئت مدیره ۲۰۱۴ آمده، ما هم امیدواریم که نشر «صفحه آزاد» در نشریه ماهنامه در دستور کار هیئت مدیره جدید قرار گیرد. پس از سی سال زندگی در جامعه‌ای که حق آزادی بیان از پایه‌های اساسی قوانین آن محسوب می شود و تظاهرات میلیونی روزهای گذشته در فرانسه نیز گواهی بر این مدعاست که چگونه شهروندان در حفظ حق آزادی بیان می کوشند، ما نیز آموخته‌ایم که به عقاید و ایده‌های یکدیگر به دیده احترام بنگریم.

اعضای هیئت مدیره انجمن تاکسیران

در سال ۲۰۱۴

در نهایت شب،

به عاشقانه‌ترین روزهایمان سلام

به روزهایی نزدیک می شویم که پر از خاطره است، خاطره‌هایی که شب‌های جوانی را به روزهای دلهره پیوند داد و سرنوشت انسان را به آماج سوداگری قدرتمندان سپرد. خردگرایان هرگز حسرت گذشته را نمی خورند، اما بازگویی گذشته، نگاهی انتقادی به شیوه تفکر خودمان است که رویدادهای اجتماعی را عمیق تر بنگریم.

ساده‌نگری مردم، شاید یکی از عوامل برآمد حاکمیتی است که به جز منافع خویش، هیچ نمی اندیشد و ابتدایی ترین آزادی را بر نمی تابد؛ نابرابری را دامن می زند و بی فرهنگی را ترویج می کند، آزادگی را با اسارت معنا می کند و از همه مهم تر شادمان بودن و شاد زیستن را گناه می شمارد. به راستی بر جامعه جهانی چه گذشت که اینگونه از هم دریده است، فرهنگ و روابط انسان ها متغیر گشته است، رشد ناموزون صنعت و تجارت با میزان سنج منافع کشورهای غربی حرکت می کند و در یک کلام، توسعه و پیشرفت زیر علامت سئوالی بزرگ، خودنمایی می کند.

آری، هر روز با اخبار و تحولات عجیب برخورد

همکار و یار قدیمی انجمن، مظفر بود. این دیدار از تابستان گذشته برنامه ریزی شده بود ولی اجرای آن به حال و احوال مظفر بستگی داشت که بالاخره در روز ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴ در رستورانی با حضور تنی چند از دوستان مظفر انجام گرفت. تاریخ این دیدار مقارن با انتخابات انجمن شد. تعداد اسامی کاندیداها و داوطلبان در لیست انتخاباتی کم بود و مظفر با وجود کسالت و خستگی مفرط، تصمیم گرفت که خود را کاندید کند و چند روز بعد از آن دیدار، با مسئول انجمن تماس گرفت و آمادگی خود را برای ثبت نام اعلام نمود. داود و علی دو نفر از همکارانمان هم تحت تأثیر شجاعت و احساس مسئولیت مظفر، آمادگی خود را اعلام کردند و نام آنها نیز به لیست اسامی افزوده شد. همه می دانند که روال کار برای نام نویسی در انتخابات از ماه اکتبر شروع می شود و تا ۱۵ نوامبر ادامه دارد. در جلسه ماهانه اکتبر، اسامی کاندیداها ثبت می شوند و در جلسه اولین دوشنبه ماه نوامبر، از کاندیداها دعوت می شود که به معرفی خود و ارائه برنامه هایشان بپردازند ولی نام نویسی تا ۱۵ نوامبر ادامه دارد. معمولاً اسامی کاندیداها در ماهنامه ماه نوامبر درج می شود. بدین ترتیب، انتخابات ۲۰۱۵ بر مبنای مصوبات اساسنامه پیش رفته و هیچگونه «برنامه ریزی قبلی» برای انتخابات نشده است. بکار بردن اصطلاح «دقیقه نود» از جانب همکار عزیز، واقعاً کم لطفی است. ما انتظار داشتیم که همکار عزیزمان مثل سال گذشته قطعه شعری برای تشویق، به ما هدیه کند.

ج) در مورد اعتراض شماره ۳- ایجاد «صفحه آزاد» در ماهنامه تاکسیران، با اشاره به تاریخچه ای کوتاه، مروری بر آنچه گذشته می کنیم. در سال ۲۰۱۳ ایجاد «صفحه آزاد» از طرف همکاران محمد رضا مطرح شد. نظر هیئت مدیره سال ۲۰۱۳ بر این بود که ایجاد «صفحه آزاد»، بطور مکانیکی و بدون بحث و تبادل نظر قبلی، شاید پایان خوبی نداشته باشد. پس بهتر دیدند که این نظر، در جلسات ماهانه به بحث گذاشته شود تا با تبادل نظر شفاهی به یک جمع بندی و توافق همه جانبه برسیم. در جلسات ماهانه ۲۰۱۳ بحث های مفیدی پیرامون این نظر انجام گرفت، مخالفت های هم ابراز شدند. مخالفان بخاطر تجربه تلخی که منجر به جدائی در انجمن شد به مصداق ضرب المثل: «مار گزیده از ریسمان سفید و سیاه می ترسد» از عواقب ایجاد «صفحه آزاد» بیمناک بودند. هیئت مدیره سال ۲۰۱۴، همچنین تصمیم داشت که در جلسه ماه فوریه ۲۰۱۴، پس از یک جمع بندی از بحث های سال

می‌کنیم و هدف از این نوشته بازگویی دوران‌های ناگوار و پیامدهای آن نیست، بلکه بازبینی خودمان، نگاهمان، شیوه زندگی و در نهایت نگرش کلی ما به رویدادها و وقایعی است که در پیرامون ما گذشته و می‌گذرد؛ اگر به ریشه‌ها و بطن مسائل توجه نکنیم، چه بسا آواری دیگر بر مردم و جامعه تحمیل خواهد شد. آنچه مهم است، تاریخی است که بر ما گذشته است و این احساس مسئولیت برای نسل ما، بیش از پیش جلوه می‌کند که کاستی‌ها و خامی‌های خودمان را در آن دوران در قالب تجربه‌های تلخ به نسل جوان انتقال دهیم. شاید به نظر برسد که بیان حقایق بی‌هوده باشد، شاید آب رفته به جوی باز نخواهد گشت، شاید آسیب‌ها به آسانی ترمیم نخواهد شد و شاید‌های دیگر؛ اما بیان شجاعانه ساده‌انگاری ما، تکیه‌گاهی بزرگ برای نسل جدید و آرامشی برای درون خودمان است. اگر بپذیریم که به پیچیدگی‌های رفتار سیاست‌بازان قدرتمدار توجه نکردیم و به ادبیات کلامی آنها اهمیت ندادیم، نه تنها چیزی را از دست نمی‌دهیم بلکه توجه همگان را جلب می‌کنیم که همواره هشیار باشند و با اهمیتی دوچندان به پیرامون خویش بنگرند، به ریشه‌های رخدادها تفکر کنند که اگر این نگرش را عادت رفتاری جامعه کنیم، تحقیر انسان را در هیچ شرایطی پذیرا نخواهیم بود و سرشاری را، بار دیگر تجربه خواهیم کرد تا انسان هویت خویش را بازیابد و توسعه و پیشرفت، آهنگ موزون روابط اجتماعی گردد.

هستی و تداوم حیات انسان به میزان مشارکت اجتماعی او بستگی دارد و ما در تحولات هر دورانی مشارکت کردیم، ولی مشارکت ما آگاهانه نبود و احساس‌ها و سطحی‌نگری‌ها در رفتار اجتماعی ما غلبه داشت. هرچند ناهنجاری‌های موجود که آسیب‌های غیرقابل برگشت را به جامعه انسانی و مقوله آزادی و دموکراسی تحمیل کرده، مسبب آن حاکمان و منافع‌طلبانی هستند که گرانی و فساد را جایگزین آرامش و لطف و صفا کرده است، اما بیاییم هشیار باشیم و اگر به مشارکت اجتماعی باور داریم تا هستی خویش را به عنوان انسان تثبیت کنیم، تجربه‌های تلخ گذشته را به یاد آوریم و به کنش‌ها و رفتارهایمان مسئولانه بنگریم و این فرآیند را جسورانه به جوانان و فرزندانمان انتقال دهیم.

به امروز نیز نگاهی بکنیم و کشتار بی‌رحمانه کاریکاتورست‌های «شارلی ابدو» که به اسارت کشیدن «آزادی بیان» بود را در قلب پاریس بنگریم. روشنگری و آزادمنشی در طول تاریخ با پرداخت هزینه‌های سنگین،

اندیشه ترقی را برای همه انسان‌ها به ارمغان آورده است، اما این بار باور کردنی نبود که در مهد کشوری که سال‌هاست دموکراسی را در روابط اجتماعی فرانسه نهادینه کرده است، فاجعه‌ای اینگونه رخ دهد. در نتیجه، تعصب و تحجر می‌تواند چشم‌ها را کور و گوش‌ها را کر کند و دهشت و وحشت بیافریند و جهان را دستخوش تنش کند، اما هرگز موفق نخواهد شد و بدیهی است که سیر زندگی انسان و نیل به رشد و پیشرفت، تروریسم را محکوم به شکست می‌داند. یاد کاریکاتورست‌های آزادیخواه «شارلی ابدو» گرمی باد که با طنز و کاریکاتورهای خویش، جامعه را با پرسش‌گری و اعتراض‌گری رو در رو می‌ساختند و یاد همه آزادیخواهان جهان، به ویژه ایران گرمی باد که با جان خویش آزادی را فریاد کشیدند و در نهایت شب به عاشقانه‌ترین روزها سلام کردند.

محسن بهرامی - ژانویه ۲۰۱۵

XXXXXXXXXX

چلنگر

به روایت احمدی زاهدی لنگرودی

بدنبال حادثه غم‌انگیزی که در پاریس در ماه ژانویه اتفاق افتاد و ده‌ها نفر جان خود را از دست دادند، حدوداً ۴۵ نماینده کشورهای مختلف برای همدردی و دفاع از آزادی قلم در پاریس راه‌پیمائی کردند. از میان این عده بسیار بودند که در کشورشان کوچکترین برخورد قلمی یا فکری خبرنگاران را با سرکوب و شکنجه پاسخ می‌دهند. در بسیاری از این کشورها چاپ چنین نشریه‌ای حتی با طنزی معتدل ممنوع است. در همین ارتباط مقالات بسیاری در مطبوعات پاریس به چاپ رسید. من هنگام مطالعه این مطالب به مقاله‌ای رسیدم که پرسیده بود که طنز برای کی و خنداندن کدام قشر از جامعه. مقاله من پاسخی به آن سؤال بود و از فرصت هم استفاده کردم اشاره‌ای به نشریه فکاهی و متعهد چلنگر کردم که امیدوارم برای دوستان مفید باشد.

در سال ۱۳۲۹ در کافه‌ای در خیابان استانبول تهران مردی نشسته بود که دل تو دلش نبود، آرام و قرار نداشت، دوستانش هر کدام در باره مجله‌ای که نخستین شماره‌اش در همان روز منتشر شده بود نظر می‌دادند ولی اکثریت آن گروه، روزنامه را نپسندیده بودند و می‌گفتند سوژه و مطالب آن پیش پا افتاده است. مرد مثل بچه‌های یتیم و کتک خورده پشت میز کز کرده بود. صادق هدایت نویسنده بزرگ ایرانی از در کافه وارد شد. از دور به طرف مرد آمد و او را بوسید و انتشار مجله‌اش را به او تبریک گفت.

افراشته به خاطر نزدیکی با زندگی مردم خرده‌پا و کارهای مختلفی که برای گذران زندگی از جمله گچ‌فروشی، شاگرد پادوئی شرکت‌های ساختمانی، شاگردی بنگاه‌های معاملات املاک، معمار شهرداری، آموزگاری، هنرپیشگی تئاتر، مجسمه‌سازی و سرانجام شاعری تا در روزنامه توفیق شروع به کار کرد و طنز را در آن جا بکار برد. مخاطب طنز او مردم عادی و کم‌سواد بودند و با زبان عامی شعر می‌گفت و به طنز می‌پرداخت. طنز افراشته در جهت منافع زحمتکشان بود. او رفتار و شخصیت افراد ستمگر را به طنز می‌کشید و با قلم و سخن خود منافع مردم تهیدست را در متون ادبی و شعر خود مد نظر داشت.

در سرتاسر تاریخ شعر فارسی کسی را نمی‌توان یافت که به خوبی افراشته خشم و نیاز و آرزوهای دیرمانده توده زحمتکش را با ساده‌ترین زبان همین مردم آورده باشد.

افراشته مهارت و ظرافت خاصی در شعر خود بکار می‌برد. ظرافت هم به معنی باریک‌بینی و هم به معنای طنزازی زبان ساده و عامیانه افراشته سرشار از طنز است. مخاطب او مردم ساده و کم‌سواد کوچه بازارند، از همین رو بسیاری از اشعار او در زمان حیات و پس از مرگش ورد زبان عارف و عامی و بسیاری از مواقع بدون آنکه نام شاعر را بدانند اشعار او را می‌خواندند. شخصیت‌های افراشته در آثارش، مردم محروم شهرها و روستاها و دربدرها و ستم‌کشیده‌های روستا و شخصیت‌های ضد قهرمان او اغلب از دستگاه حاکمه، متظاهرين به زهد و مذهب و ریاکاران مذهب و دولتند.

افراشته هم مانند دیگر شعرا و نویسندگان آزاده و مترقی کشورمان چون عارف، فرخی یزدی، لاهوتی، بهرنگی، ساعدی، سعیدی سیرجانی، عشقی، ایرج میرزا و... همواره مورد کین و نفرت مرتجعین و حاکمان ضد مردمی بود.

افراشته هم در دفاع از منافع مردم عامی و آزادی قلم و بیان مجبور شد که از سال ۱۳۳۲ به زندگی مخفی بپردازد و بعد از یکسال و نیم دربدری مجبور به ترک وطن شد.

چلنگر نام نشریه افراشته بود که به روایتی این نام را صادق هدایت برای آن انتخاب کرده بود به معنی آهنگر. تیر اول نشریه چلنگر با این بیت شروع می‌شد:

بشکنی ای قلم ای دست اگر

بپیچی از خدمت محرومان سر

در گذشته در باره این بیت معروف در میان جامعه روشنفکران ایران بحثی بود که آیا باید قلم و یا دستی

وی می‌گفت: آقای هدایت این بر و بچه‌ها از روزنامه خوششان نیامده! هدایت خنده‌ای کرد و گفت شانس آوردی. اگر این‌ها از روزنامه تو تعریف می‌کردند من هم ناامید می‌شدم. روزنامه تو مال این‌ها نیست، مال مردم جنوب شهر و زاغه‌نشینان است که فقط دو کلاس اکابر سواد دارند. روزنامه‌ای که اینچنین به مذاق صادق هدایت سختگیر آگاه و نکته‌سنج خوش آمده بود، چلنگر نام داشت و نام آن مرد منزوی که امروز کمتر از وی سخن گفته می‌شود «محمد علی راد بازقلعه‌ای» معروف به افراشته بود. او در سال ۱۲۸۷ در روستای بازقلعه رشت به دنیا آمد. او از پیشگامان شعر گیلکی و از نام‌داران شعر ساده و روان فارسی و از بزرگان طنز اجتماعی بود. زبان و طنز افراشته منعکس کننده دردهای ملموس مردم کوچه و بازار بود و بی‌جهت نبود که شعر او شعر روز مردم بود. افراشته شاعر توده‌ها بود و به جرأت می‌توان گفت هیچ شاعری مانند او نتوانسته در عمق اجتماع نفوذ کند. علت این نفوذ کلام، صراحت و سادگی کلام، بی‌پیرایگی، هم‌دلی و هم‌زبانی او با توده مردم بود. چهره‌ها و سوژه‌های شعر افراشته مردم محروم توسری خورده نفرین‌شده و آواره شهرها و روستاهای ایرانند. صداقتی که در شعر افراشته وجود داشت موجب شد که شعر او به سرعت در خاطره‌ها نقش ببندد. بیکاری‌ها، دربدری‌ها، محرومیت‌ها و تبعیض‌ها و رشوه‌خواری‌ها و فساد حاکم بر دستگاه حاکمه مایه اصلی شعر او بود.

روزنامه چلنگر یک حادثه در دنیای شعر و مطبوعات کشور به شمار می‌رفت. در تیرماه ۱۳۲۵ در تهران کنگره نویسندگان و شعرای ایران تشکیل شد. در این کنگره چهره‌هائی مانند ملک‌الشعرا بهار، علامه دهخدا، صادق هدایت، نیماوشیخ، کریم کشاورز، حکمت و ده‌ها شاعر و نویسنده دیگر حضور یافته و به نوبت آثار خود را ارائه داده بودند. در همین کنگره نوبت به افراشته رسید تا آثار خود را بخواند. او چند کلمه به سبک خود صحبت کرد و گفت که ما دو گروه دکتر داریم. گروهی در شمال شهر مطب دارند که ویزیت آنها ۵ تومان است و گروهی دیگر هم در جنوب شهر مثلاً در محله «اسمال بزاز» و «گود زنبورک خانه» که با دریافت ۵ ریال مداوا می‌کنند. دکتر شمال شهری ممکن است بعضی از روزها بیماری نداشته باشد و پولی هم گیرش نیاید، اما دکتر جنوب شهری حتماً روزی پنجاه نفر را ویزیت می‌کند و ۲۵ تومان درآمد دارد. من شاعر مانند آن دکتر جنوب شهری هستم. شعرم مال مردم جنوب شهر است و من طرفداران خودم را دارم.

را که به نفع مظلومان نمی نویسد باید شکست. در این باب دو تفکر بود یکی مخالف و دیگری موافق. نگارنده بر این تفکر است که هر دیدگاهی هر چقدر هم ضد مردمی و غیراجتماعی باشد باید اجازه داشته باشد که نظریات خودش را در دسترس عموم قرار دهد و برای هیچ قلمی نباید محدودیت قائل بود و کسی را بخاطر افکار یا نوشته هایش نابود کرد. موفق و پیروز باشید.

تهیه و تنظیم از داود بخش زبیدی از این مقاله از اینترنت برگرفته شده است. گود زنبورک خانه: از محلات قدیمی تهران در شمال خیابان مولوی محله اسماعیل بزاز: از دلقک های دربار ناصرالدین شاه به دلیل سکونت در خیابان مولوی که بنام وی خیابان اسماعیل بزاز خوانده می شد.

پالتوی چهارده ساله

ای چارده ساله پالتوی من
ای رفته سر آستین و دامن
ای آن که به پشت و رو رسیدی
جر خوردی و وصله پینه دیدی
هر چند که رنگ و رو نداری
وارفته ای و اطو نداری
گشته یقه ات چو قاب دستمال
صد رحمت حق به لنگ بقال
پاره بود چو قلب مجنون
چل تکه، چو بقچه گلین جون
ای رفته به ناز و آمده باز
صد بار گرو دکان رزاز
خواهم ز تو از طریق یاری
امساله مرا نگاه داری
این بهمن و دی مرو تو از دست
تا سال دیگر خدا بزرگ است.

شعر خوانده شده در کنگره ادبی ایران در مقابل بزرگان ادب فارسی.

سنی از ما گذشته

دوستان عزیز، متن زیر قسمتی از نوشته فریدون مجلسی روزنامه نگار قدیمی ایرانست که در روزنامه بهار به تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۹۲ به مناسبت روز خبرنگار نوشته و فکر می کنم وصف حال ما یا حداقل من باشد. حیف دیر فهمیدم.

عمری چنان به جوانی و مزایای آن عادت کرده بودیم، که نفهمیدیم چی شد که ناگهان با اتفاقی غیرمنتظره مواجه شدیم! تک و توک در اجتماع

می دیدیم که کسانی به ما احترام می گذاشتند! آخر ما به بی احترامی عادت کرده بودیم! بعد که مثلاً در اتوبوس طبق عادت دیرین و درس مادر بلند می شدیم تا جایمان را به بزرگترها بدهیم، ملاحظه می کردیم که گاهی تعجب می کنند، دست رد روی شانه ما می گذارند و ما را می نشانند، که: «ای آقا اختیار دارین!» تدریجاً ملاحظه کردیم که تازه کسانی جلوی ما بلند هم می شوند و جای خودشان را تعارف می کنند (آن عادت قدیمی هنوز به کلی ورنیفته بود!) و تدریجاً دیدیم بر تعداد آن احترامات تک و توک افزوده شده است! تا این که به فکرمان رسید نکند با وجود بعضی ظواهر آنچنانی به یکی از مقامات اینچنینی شباهتی پیدا کرده ایم که برخلاف عادت قدری محترم شده ایم! این بود که سراغ آیین رفتیم. چشمتان روز بد نبیند! از هر چه احترام بیزار شدیم! یعنی اول بی اختیار به قیافه ای که در آیین دیدیم سلام کردیم و طبق عادت تعارف کردیم جای خودمان را به او بدهیم، هر چند خودمان هم ایستاده بودیم، اما هیبت طرف ما را گرفته بود! بعد دیدیم قیافه طرف آشناست! دقت که کردیم دیدیم ای داد بیداد! او خودمان هستیم و دریغ از یک تار موی سیاه! راز آن احترام ما در آینه بود. خواستیم آن را بشکنیم، دیدیم که به فرموده شاعر آینه شکستن خطاست! باری غرض از این مقدمه این که دوستان خبرنگار هم در واکنش به همین هیبت ناخواسته ما را آینه گذشته های دور انگاشته اند! مثلاً می گویند خاطراتمان را از تشییع جنازه ناپلئون یا تاجگذاری احمدشاه بنویسیم! هر چه می گویم والله بالله اون موقع ها ما نبودیم، می گویند بودی، خسیسی می کنی!

مظفر

XXXXXXXXXX

جمهوری فرانسه و معرفی روسای آن

بدنبال انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹، رژیم سلطنتی سرنگون و در ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ رژیم جمهوری بطور رسمی اعلام شد. این جمهوری که بعدها به جمهوری اول فرانسه معروف گردید تا سال ۱۸۰۴ بطول انجامید. در این دوره جامعه فرانسه با برخورد جریان های فکری و ایدئولوژیک متعددی درگیر است و ضدانقلابیون تلاش دارند که رژیم جمهوری را ساقط کنند. اعدام ها و خشونت های انقلابی «دوره وحشت» دامنگیر خود انقلابیون نیز است. ژوئیه ۱۷۹۴ روبسپیر به قتل می رسد. در عین حال تلاش و اقدامات جمهوری خواهان برای برقراری «کیش آزادی» در جریان است ولی کودتاهای متعدد برای بی ثبات کردن

و حمایت جناح راست (سلطنت طلبان) در مجلس کاندیدای ریاست جمهوری می شود و انتخاب می گردد. وی در سال ۱۸۷۷ با قدرت گرفتن طرفداران جمهوری در مجلس استعفا می دهد و Jules Dufaure به عنوان رئیس جمهور موقت جانشین او می شود.

Jules Grévy (۱۸۷۹-۸۷). او قبل از اینکه به ریاست جمهوری انتخاب شود رئیس مجلس بود. در این دوره، توسعه استعماری باز هم گسترش می یابد و تنش با آلمانی ها شدت می گیرد و بالاخره او در سال ۱۸۵۵ متهم به ارتکاب فساد مالی و سیاسی و مجبور به استعفا می شود. ادامه دارد - رسول

XXXXXXXXXX

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران K'SI برگزار می گردد.
59, bd Paul Vaillant Couturier
94200 Ivry-sur-Seine
حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می باشد.

دوستان و همکاران محترم برای دریافت اطلاعات در رابطه با حرفه تاکسی و ماهنامه انجمن تاکسیران می توانید به سایت زیر مراجعه کنید:
www.lnega.free.fr

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت می کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه فوریه شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۲ ماه فوریه

مکان: Restaurant K'SI

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱ - سخن هیئت مدیره

۲ - تدارک روز جهانی زن

۳ - فروش بلیط جشن نوروز

۴ - حضور نماینده بیمه ALLIANZ

۴ - بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

جمهوری انجام می گیرد تا انقلاب را به بن بست بکشاند. با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت، امپراتوری فرانسه تأسیس گردید که از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۴ مستقر بود. از سال ۱۸۱۵ بخاطر بازگشت سلطنت به فرانسه بار دیگر این کشور به پادشاهی فرانسه موسوم شد اما با انقلاب سال ۱۸۴۸ و تبعید لوئی فیلیپ جمهوری دوباره سر بلند می کند. این جمهوری، جمهوری دوم نامیده شد و این دفعه تلاش دارد «بطور قطعی» ریشه رژیم سلطنتی را ساقط کند ولی چندان موفق نمی شود. در سال ۱۸۴۸ با تصویب قانون اساسی امتیازاتی به شهروندان داده می شود: کاهش ساعات کار، برقراری حق رأی عمومی، الغاء بردگی و... و بالاخره لوئی بناپارت کاندیدای مردمی برای ریاست جمهوری رأی می آورد. وی برادرزاده ناپلئون اول از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۲ رئیس جمهور فرانسه است ولی در واقع طرفدار حزب بناپارتنیسم بود و بالاخره بخاطر ضعف جمهوریت او امپراتوری دوم (۱۸۵۲-۷۱) را برقرار می کند. با سرنگون شدن امپراتور فرانسه در سال ۱۸۷۱ بوسیله آلمان در جنگ سدان (Sedan) باز دیگر فرانسه تبدیل به جمهوری شد که این جمهوری تا سال ۱۹۴۰ یعنی اشغال فرانسه بوسیله آلمانی ها ادامه دارد و به جمهوری سوم معروف شد.

در واقع جمهوری سوم طولانی ترین دوره جمهوری در فرانسه است که در این مدت جمهوری فرانسه متحول و باثبات می شود. این دوره در عین حال اوج قدرت گیری استعمار فرانسه، شروع مدرنیزاسیون کشور با توجه به اختراع اتومبیل، شبکه راه آهن، الکتریسیته و تلفن و رادیو و غیره است ولی کشور فرانسه درگیر دو جنگ جهانی و بحران بزرگ ۱۹۲۹ می شود بطوریکه در پایان جنگ جهانی دوم دیگر آن قدرت استعماری سابق را ندارد و کلی از توانش کاسته شده است.

روسای جمهوری سوم: اولین رئیس جمهور این دوره Adolphe Thiers است که از سال ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳ بر سر قدرت است. او قبلاً به عنوان رئیس قوه اجرائیه در ماه می ۱۸۷۱ کمون پاریس را سرکوب کرده و مذاکره صلح با آلمانی ها را شروع کرد. پس از انتخاب به ریاست جمهوری با واگذاری مناطق آلزاس و لورن و پرداخت غرامت بالاخره عهدنامه صلح را با آلمانی ها امضا می کند. دومین رئیس جمهور این دوره Mac Mahon (۷۹-۱۸۷۳)

است. وی از مارشال های امپراتوری دوم بود که در جنگ های متعددی در کریمه و ایتالیا و آلمان شرکت و پیروزی هایی کسب کرده بود. وی پس از شکست از آلمانی ها از سیاست کناره گیری می کند تا اینکه با تشویق